

طبيب مجبور بدوا و ميباشند ده روز مرخصي خواسته بودند كميسيون عذرشان را موجه داشته از تاريخ هشتم اردي بهشت ماه تاده روز مرخصي آقاي اسفندياري تصويب مينمايد.

آقا ميرزا حسين خان اسفندياري بنده اصلا اجازه نخواسته بودم

رئيس - اجازه نخواسته اند!

آقاي سهراب زاده نماينده محترم به واسطه عارضه تب و نوبه براي معالجه از مجلس شوراي ملي مدت بيست روز از پنجم خرداد ماه اجازه مرخصي خواسته بودند كميسيون عذر ايشان را موجه داشته تصويب مي نمايد.

آقاي سهراب زاده نماينده محترم بواسطه عارضه كسالت از تاريخ هفدهم اردي بهشت ماه تاشش روز اجازه مرخصي خواسته اند كميسيون اجازه ايشان را تصويب مينمايد.

رئيس - راي ميگيريم آقا باياني كه مرخصي بيست روزه آقاي سهراب زاده را يك فترت از پنجم خرداد تصويب ميكنند قيام فرمايند.

(اكثر نمايندگان قيام نمودند)

رئيس تصويب شد

آقاي كي استوان نماينده محترم از بندر پهلوي ده روز تمديد مرخصي تقاضا کرده بودند نظر باینکه قبلا اجازه دو ماهه داشته اند و يكماه بيشتر از مرخصي استفاده ننموده بودند و يكماه در مدت مرخصي رادر مجلس حضور داشته اند

لذا كميسيون عذر ايشان را موجه دانسته تمديد مرخصي ايشان را تصويب مينمايد رئيس - آقا باياني كه مرخصي ده روزه آقاي كي استوان را تصويب مي كنند قيام فرمايند

(اكثر نمايندگان قيام نمودند)

رئيس تصويب شد

آقاي مشير منظم نماينده محترم براي تنظيم امور شخصي مدت يكماه از مجلس شوراي ملي تقاضاي اجازه مرخصي نمودند كه تاريخ روز حركت محسوب شود كميسيون تقاضاي يكماه ايشان را بي مورد ندانسته تصويب مينمايد.

رئيس - اين آراء صحيح نبوده است چون عده كافي نبود مي ماند براي فردا.

(مجلس ده دقيقه قبل از ظهر ختم شد)

رئيس مجلس شوراي ملي حسين پيرنيا  
منشي م شهاب  
دكتور احتشام طباطبائي

جلسه ۱۷۹

صورت مشروح  
مجلس يكشنبه هفدهم  
خرداد ۱۳۰۴ مطابق  
پانزدهم ذيقعدة  
۱۳۴۳

مجلس سه ساعت قبل از ظهر برياض آقاي آقا ميرزا حسين خان پيرنيا تشكيل گرديد (صورت مجلس روز قبل را آقاي آقا ميرزا شهاب قرائت نمودند

رئيس - نسبت بصورت مجلس ايرادي هست يانه بعضي از نمايندگان - خير رئيس - آقاي دولت آبادي (اجازه)

دولت آبادي - ديروز كه قانون نظام اجباري از مجلس گذشت و مجلس پنجم اين افتخار را كسب كرد بنده ميخواستم يك تذكري بدهم موقه بدست نيامد امروز آن تذكر را ميدهم و آن اين است ما محتاجيم بيك اجباري ديگر كه با هم دوش اين اجباري است و با مقدم است و آن تعليم و تعلم اجباري است پس از مشروطيت خوب بخاطر دارم نظامنامه هاي كه در ابتداه براي معارف نوشته ميشد يكي از مواد آن نظامنامه ها تعليم و تعلم اجباري بود

قانون اساسي لزوم تعليم و تعلم اجباري را تصريح کرده است

در قوانين موضوعه بعد هم در قانون وزارت معارف و قانون شوراي عالي معارف وغيره وغيره مكرر در مكرر اين كلمه تصريح و تذكر شده است.

در مراسم مقامه هاي احزاب سياسي هم غالبا مي بينم يكي از مواد آن تعليم و تعلم اجباري است پس اين مسئله از افكار عمومي ملت ايران شمرده ميشود.

و راي صورت سابق براي اين اگر در اطراف اين موضوع ما زياد حرف نميزديم براي اين بود كه ميگفتيم اسبابش فراهم هست ولي امروز بفضل الهي اسباب آن دارد فراهم ميشود مأمورين نظام اجباري بولايات و قصبات و دهات ميروند مأمورين سجل احوال بتمام نقاط مملكت ميروند ماليات هائي وضع ميشود با هم معارف چنانچه ديروز هم يك لايحه آنرا دادند افكار عمومي هم متوجه اين مسئله هست.

بعلاوه بعضي سرمايه هاي ديگر هم داريم مثلا سالاني دوست هزار تومان بمتنظرين خدمت ميدهم در ميان اين متنظرين خدمت اشخاصي هستند كه ميتوانند بدائرة تعليم و عمومي رفته و مشغول خدمت شوند اگر در بين مشولين خدمت هم اشخاصي هستند كه ببرد اين كار بهتر ميخورند تا بپردازد ادارات دولتي؟ ممكن است متنظرين خدمت بجاي آنها رفته و آنها بتعليم و تعلم عمومي خدمت

كنند بهر صورت من وسائل و اسباب اين كار را تا اندازه مهاي مي بينم طلاب علوم دينيه يكمده از جوانهاشان كه تا يك اندازه تحصيلات جديد هم كرده اند آنها ميتوانند از طرف دولت اجير و موظف شوند بروند در دهات و قصبات دولت چه بايد بكنند بايد يك كتاب ابتدائي چهار كلاس كه يك قدری هم از فلاح و زراعت در آن نوشته باشد بچاه شصت هزار جلد طبع كند بقميت خوب يا مجاني بين مردم منتشر كند و از جوانهاي تحصيل كرده و منتظرين خدمت و از طلاب علوم دينيه دولت ميتواند اجير كند با استخدام نمايد خود اهالي دهات هم حاضر هستند پول بدهند و كمك كنند اين است كه بنده مي خواهم تذكر بدهم از طرف مجلس برئيس محترم دولت و دولت نوشته شود كه قانون تعليم و تعلم اجباري را به مجلس بياورند در حين اجرائ قانون نظام اجباري و سجل احوال قانون تعليم و تعلم اجباري عمومي هم در دست عمل و اجرا گذارده شود.

بعضي از نمايندگان - دستور رئيس - آقاي شوشتری (اجازه)

آقا سيد محمد علي شوشتری - فعلا عرض ندارم رئيس - ماده اول قانون معيزي مطرح است.

آقاي حائري زاده (اجازه)

يك نفر از نمايندگان - نيستند رئيس آقاي اتعاد (اجازه)

اتحاد - بنده قبل از ورود در موضوع لازم است بيك نكته اعتراف كنم كه چون مالك نيستم شايد از ترتيب زراعت و ملك داري اطلاع نداشته باشم و البته اين هم نقص نميشود ولي در عين حال دريك قسمت از ماده يك كه مربوط بگيلان است مجبورم نظريات خود را عرض كنم بنده در موقعي كه بمسافرت گيلان رفته بودم آقا باياني كه به ملاقات من آمده بودند يك عرايضي بمجلس عرض كردند و بنده را وسيله عرض آن قرار دادند.

براي اينكه آقا بايان محترم مسوق باشند از وضعت شلتوك كاري مجبورم عرايضي آنها را بسمع آقا بايان برسانم.

اراضي گيلان بطوريكه بعضي آقا بايان بلكه همه مسبوقند يك اراضي باطلاقي است كه دو دفعه شيارمي شود و در دفعه دوم جو كاري کرده بعد از آنكه سبز شد جوها هارا بيرون مي آورند و آنها را نشامي زنند قبل از ازارع براي يك جريب زمين پنج قوطي بندر را در خارج ميكارد با اصطلاح خودشان ان زار مينمايند تا سبز شده پس از آن آنها را كنده و بوته بوته جدا کرده با انگشت نهال ميكنند. براي برنج دو آفت هست كه غالبا

آندو آفت موجود است يكي كثر آف يكي قلت آب وقتي آب كم باشد آنرا مي سوزاند و اگر زياد باشد غرق مي شود اگر بواسطه بي مبالايي زارع جو فاسد گشت زارع مجبور است مجدداً تخم جو را براي آنها تهيه نمايد.

نشاء كه عبارت از مدمات برنج است بترتيب فوق نشاء مي شود و علفهاي هرزه نشاء را بادست ميكنند شهبارا در مزرعه براي محافظت مزرعه از جانوران و روزها را هي براي آبياري هستند اگر بي آبي باشد محصول ميسوزد و اگر آب زياد شد غرق مي شود

يكي از آنها كه بمنزله بي آبي است زنك زدن است كه اصل سنبله را بيميز و سپاه ميكنند.

پس از آنكه محصول آماده شد اگر باران گرفت تمام خوشهها در باران مانده شل مي شود و تا بخواهند آنرا خشك كنند مقدار كلي فترت ميشود از آغاز اين مسئله تا انجام آن تقريباً چهار ماه پنج ماه طول ميكشد. در گيلان در تسيمات مالك وزارت دو قسمت رامالك و سه قسمت رازارع ميبرد. اراضي گيلان بواسطه آنكه مرطوبي است فوري نميتوانند حمل كنند.

بنا بر اين بعنوان قرض بزارع ميدهند كه او حمل كند و براي تحصيل اين قرض از صد بيست تا بيست و پنج مجبورند بكد خدا بدهند.

يكي از مخارج ديگر كه در آنجا هست و شايد در ساير جاها نباشد در هر سال صدها براي تعميرات خانه هاي رعيتي تخصيص داده مي شود و بطوريكه قبلا عرض كردم در هر سال اواسطه كمی يا زيادي آب يك مقداري سوخت مي شود و از كپسه مالك يا خورده مالك ميبرد.

بنابر اين عرايضي كه كردم هميشه دولتهاي وقت اين نكته را متوجه بوده اند و راجع بقسمت گيلان تخفيفهائي منظور مي داشتند. در كابينه و توفيق الدوله تقريباً صدي سي براي مخارج كسر كردند و خود دكتور ميليسيو هم اعتراف کرده است و صد بيست و پنج از براي آنها كسر کرده اند ولي امسال براي هريك جريب زمين دو تومان گرفته اند در صورتيكه در يك جريب كه شانزده تا بيست و سه قوطي حاصل ميدهد شايد بيش از هشت قوطي هايده مالك نمي شود.

اينجا در قسمت دوم اين ماده نوشته است از غير ديم عموماً پس از وضع صدي پنج براي مخارج. البته اين يراي گندم كاري شايد چندان اجحاف باشد.

بنده در خارج اين مسئله را بآقاي مغير گوشرد كردم اظهار فرمودند شايد در اين خصوص در كميسيون مذاكراتي بشود اگر چه بنده نماينده مالك نيستم و نميتوانم هم باشم ولي در عين حال يك مسائلي است كه مربوط بعدالت است و اين را نبايد از

نظر دورد است که عدالت باید شامل مالک و زارع همه باشد.

بنابر این بنده معتقدم که این صدمینج برای مخارج نسبت بگیلان و خورده مالکین گیلانی يك اجهاف فوق العاده ای رئیس - آقای معتمد السلطنه (اجازه)

معتمد السلطنه - عرضی ندارم  
رئیس - آقای رضوی (اجازه)

رضوی - عرض میکنم دیروز در موقعی که آقای یسائی و آقای شریعتمدار صحبت کردند بنده جوابهای آنها را دادم ولی امروز آقای اتحاد مندا کرده کردند بنده مخالفتی از ایشان ندیدم جز اینکه فرمودند صدمینج که برای مخارج موضوع شده برای رشت کم است شاید همینطور هم باشد که فرمودند امکان این را بر تیکه به مجلس آمده است همان را بورت کمیسیون قدیم است و مربوط بکمیسیون جدید نیست یعنی کمیسیون جدید معرفی درش نکرده است . در همان موقع (ه آقای سردار معتمد) که اسمشان را نمیدانم)

یک نفر از نمایندگان - صادق خان اکبر

رضوی - بلی صادق خان اکبر . ایشان هم در کمیسیون تشریف داشتند و نظریات خودشان را فرمودند و بالاخره خود ایشان متقاعد شدند در این خصوص نظر به مالکین رشت جلب شده است بنابر این بنده امیراد ایشان را وارد تمیذانم .

رئیس - آقای طهرانی (اجازه)

طهرانی - دوره جاهلیت یا استبداد اراده سینه یک نفر یا چند نفر بخصوص برای مملکت قانون بود اعم از اینکه مستند ببینند و برهان و متکی بدلیل و فلسفه باشد یا تپاشد . در دوره آزادی و مشروطیت قانون را بدست مجلس گذاردند مجلس هم بدون اتکا به يك مسئله فلسفی نمی تواند وضع قانون کند . در این قانون میزی که نوشته شده واصل و ریشه آن عبارت از ماده اول است مینویسد از سهم مالکانه بطریق ذیل مأخوذ خواهد شد

علی التساوی نیست . اگر چه هیچ قانونی نمی شود که مورد استثناء نداشته باشد لکن مستند قانونی باید يك شكلی باشد که اکثریت جامعه را بگیرد .

در این صورت اینکه اینجا نوشته شده است از سهم مالکانه بطریق ذیل اخذ خواهد شد این هیچ معلوم نیست . در این مملکت سهم مالکانه مختلف است . يك ضلك را يك شخصی میخرد صد تومان در صورتیکه عایدی آن ده خورواست و سهم مالکانه او دو خوروا بیشتر نیست . تقریباً به آن اندازه که برای خرید آن ملك پول داده شده يك سهمی به مالک میرسد یعنی از این ملك دو خوروا سهم مالکانه است . یکجائی دیگر هست که ده خوروا عایدی دارد پانصد تومان خرید شده زیرا هشت خوروا آن سهم مالکانه است پس سهم رعیت و مالک مختلف است و نمی شود گفت در ملك که هر دوه خوروا عایدی دارند و سهم مالکانه یکی دو خوروا و دیگری هشت خوروا است هر دو يك قیمت دارد .

پس وقتی که این را تصدیق کردیم گرفتن مالیات بیک تناسب غلط است و عایدی هر ملكی را باید ملاحظه کنند . اصولاً عایدی هر ملك باید پنج سهم بشود . سهم زمین . سهم آب . سهم رعیت . سهم گاو . سهم شخم .

یعنی پنج سهم بشود اعم از اینکه بین مالک و رعیت این سهم بندی شده باشد یا نشده باشد . آب و ملك چون متعلق به مالک است دو سهم باید مالیات بدهد اگر در يك جا مالک يك خمس میگیرد برای اینست که پولش را کمتر داده و اگر دو خمس می گیرد برای اینست که پول زیاد تر داده و در هر کجا سهم مالک يك صورت دارد

ولی اصولاً آب و زمین از چیزهایی است که متعلق به مالک است و باید يك سهم از بابت زمین مالیات بدهد . اینکه اینجا نوشته شده است از سهم مالکانه گرفته شود بعقیده بنده عادلانه نیست و بعقیده بنده باید مالیات نسبت به تمام مملکت علی السوی باشد و این طریق که اینجا نوشته اند اعتدال ندارد .

مخالفت بنده از این راه است  
رئیس - آقای بیات (اجازه)

مرتضی قلی خان بیات - اختلاف نظری که در باب وضع این مالیات بین آقایان میباشد این است که بعضی ها نظر دارند که مالیات باید بر کلیه عایدات وضع شود و از کلیه عایدی که از يك ملك عمل می آید دولت مالیات بگیرد و بعضیها معتقدند که باید از عایدات ملك دولت يك حقوقی بگیرد .

اگر آقایان دقت بفرمایند تصدیق می فرمایند که اگر بخواهیم مالیات را بر کلیه

عوائد ملك وضع کنیم این مالیات تعلق می گیرد بر مالک و رعیت هر دو . یعنی دولت از سهم مالک و از سهم رعیت از هر دو باید مالیات بگیرد و در صورتی که بنده عقیده ام این است که وضع مالیات بر عوامل و اسباب کار هیچ فلسفه ندارد و هیچوقت بر آنها مالیات وضع نشده و وضع مالیات بر کل عوائد تحصیل بر زارع است .

در تمام دنیا وقتی که دقت شود مالیات از عایدات گرفته می شود

حالا خواه آن عوائد از آب و ملك باشد خواه از سرمایه های دیگر از کسب از پول یا از هر چه باشد باید از عایدات آن يك سهمی برای مخارج مملکت گرفته شود .

وقتی که بنا شد از عایدات مالیات گرفته شود این تناسب هائی که این جا اظهار میشود بعقیده بنده غلط است .

زیرا اگر بگوئیم مالیات را بر کل عوائد وضع می کنیم ولی آن وقت مالک از سهم خودش بدهد این تناسب غلط است .

زیرا مالک سهم خودش را می برد چگونه میتواند از سهم خودش مالیاتی که بر سهم دیگری تعلق میگیرد بدهد

پس باید بر سهم مالک مالیات وضع کنیم و همانطور که در مجلس اظهار شد ترتیب تقسیم بین مالک و رعیت در ایران خیلی مختلف است .

در خیلی جاها سه کوت مقرر است به این ترتیب که دو قسمت رعیت و يك قسمت مالک می برد .

در اراضی دیم زار چهار قسمت رعیت و يك قسمت مالک برد .

در بعضی جاهای دیگر يك قسمت رعیت و يك قسمت مالک می برد .

در بعضی جاها در بیست قسمت نوزده قسمت رعیت و يك قسمت مالک می برد .

در آب زار ترتیب هیچ دو دو مقرر است که دو قسمت مالک و ۳ قسمت رعیت می برد .

بعضی جاها نصف مالک و نصف رعیت می برد .

در قسمت پنج و دو گاهی هم بعکس است یعنی ۳ قسمت مالک و دو قسمت رعیت می برد . و این ترتیب منوط بر این است که مالک بذر و بعضی اوازم کار را بدهد .

فرض این است که هر جائی بیک ترتیب و اصول خاصی دارد پس وقتی که تمام این جهات و تقسیمات را ملاحظه بفرمائید اگر بخواهیم عوامل را تقسیم کنیم و آن وقت با این ترتیبی که میفرمایند مالیات وضع کنیم يك بی اعتدالی هائی در وضع مالیات

می شود . زیرا چنانچه عرض شد در بعضی جاها ۳ کوت مقرر است باین معنی که در قسمت رعیت و يك قسمت مالک می برد . شما میفرمائید از ۵ تا ۳ تا را موضوع کرده و از دوتای دیگر مالیاتی بگیرند مثلا در خوروا ده خوروا سهم مالک است و مطابق معمول بایستی از ده خوروا سهم مالک عشر مالیات بگیریم ولی وقتی که پنج و دو تقسیم کردیم و گفتیم سی خوروا بر پنج قسمت تقسیم شود یعنی پنج شش خوروا و دو قسمت که ۱۲ خورواست مالیات بدهد و ۴ قسمت دیگر ۱۸ خوروا است مالیات ندهد آن وقت سهم مالک ده خوروا بوده و باید مالیات ۱۲ خوروا را بدهد و در جای دیگر که معامله نصف مقرر است اگر بخواهیم این معامله را اجرا کنیم فرضاً سی خوروا که نصفش مال رعیت و نصفش مال مالک است و اگر از ۲ قسمت از پنج قسمت مالیات اخذ شود بایستی مالک ۱۲ خوروا را بدهد در صورتیکه سهم او ۱۵ خوروا بوده و این سبب می شود که در بعضی جاها مالک کم و در بعضی جاها زیاد مالیات بدهد .

فلسفه این مالیات بطوری که اظهار شد اساساً برای این است که هر قدر مالک از آب و زمین عایدی می برد از او باید مالیات گرفت و از عوامل کار نمی توان مالیات گرفت چون اگر دقت شود خواهیم دید که بعضی سهم ماخرج خود کار شد و مصرف عوامل است مثلا از سهم گاو نباید چیزی گرفت برای اینکه گاو يك مخارجی دارد و از این جهت باید از تأدیبه مالیات معاف باشد و با این تحمیلات و زحماتی که امروزه برای مالک هست و خساراتیکه از لحاظ گاو میری و سایر مخارج متوجه او می شود مقتضی نیست که از سهم گاو هم از او مالیات گرفته شود زیرا وقتی درست حساب کنیم می بینیم باندازه مخارج سالیانه اش عایدی ندارد و کفاف مخارجش را نمی کند .

همینطور راجع بقسمت بذر نیز اول باید بذر را بخرند تا عوائدی تحصیل کنند پس فقط از عایدی آب و زمین باید مالیات گرفت اهم از اینکه آب و زمین مال رعیت باشد یا مال مالک یا رعیت برای خودش عمل کند یا برای مالک شرحی را که آقای آفایشیخ محمد علی فرمودند ترتیب صحیح بود ولی تناسب درست نبود ایشان فرمودند از پنج قسمت عامل ۳ عامل را زمین بگذاریم و از ۲ عامل دیگر مالیات بگیریم .

بنده عرض میکنم اساساً عامل باید از تأدیبه مالیات معاف بوده و فقط از آب و زمین باید مالیات و عوارض گرفت .

زیرا آن حقی که رعیت یا مالک از آب و زمین میبرد آن عایدی خالص است و از ایندهت دولت باید يك مالیاتی از آن



بگیرد .  
 حالا در اینجا يك اختلاف نظرهای موجود است که بمقیده بنده حق باقیانست که بعضی اظهارات میکنند بواسطه اینکه در عایدات آب و زمین هم يك تفاوت کلی در کار است مثلا در بعضی جاها رود آب است که در سال هیچ خرجی ندارد و عایداتی که مالک یا رعیت از رود آب می بردند هیچ خرجی است ولی در بعضی جاها دیگر آب از قنوات است که يك زحمت و مخارج زیادی دارد تا انسان بهره ببرد و چون ما میخواهیم وضع مالیات از روی عدالت و انصاف باشد از اینکه باید متعقد شد و قبول کرد که اگر عایدات از آب رودخانه باشد يك عشر مالیات بدهد برای اینکه چنانچه عرض شد رود آب هیچ خرجی ندارد ولی اگر از قنات متحمل شود موضوع کرد واز مابقی مالیات گرفت آن وقت این ترتیب عادلانه خواهد بود .  
 پس این ترتیبی که در این لایحه نوشته شده صحیح است فقط آن نظری که بعضی از آقایان راجع بتفاوت رود و قنات آب فرمودند باید بمقیده بنده ملحوظ شود و بنده خود هم موافقم که باید يك تفاوتی منظور شود و اینکه آقای آقا شیخ محمدعلی فرمودند قیمت املاک متفاوت است فرمودند در يك جایك کسی ملكی را می خرد به صد تومان که ده خروار عایدی دارد و از این ده خروار هشت خروار رعیت می برد و دو خروار مالك و در يك جای دیگر با پانصد تومان يك ملكی می خرد که از ده خروار محصول هشت خروار مالك می برد و دو خروار رعیت .  
 در حال باید دانست که املاک امروزه از روی عایدی خرید و فروش می شود یعنی از روی تخمین همین میکنند که عایدی فلان ملک مثلا در سال چیست .  
 آنوقت از روی آن عایدی قیمت می کنند و خرید و فروش میشود منتهی ملك در هر جائی يك قیمت دارد این بسته به محل و مکان ملك است .  
 در بعضی جا ها قیمت ملك از قرار تومانی يك قران و عشر است و در جا های دیگر از قرار تومانی پانزده شاهی ده شاهی بلکه دو عباسی خرید و فروش میشود غرض این است این ترتیبی که بنده عرض کردم و در این قانون هم نوشته شده متناسب و عدالت نزدیکتر است تا آن طوری که سرکار فرمودید که هم از مالک هم از رعیت گرفته شود زیرا در آن صورت يك اختلاف بزرگی بین مالکین و رعایا فراهم خواهد شد که اسباب زحمت است و آنوقت مالک میخواهد این مالیاتی که دولت از او مطالبه میکند کردن رعیت بپندارد و این يك تعجیلی است بزراعت و رعیت که هیچ شایسته و سزاوار نیست اگر هم خود مالک بخواهد بدهد این هم

از عدالت دور است .  
 از اینکه بنده با این لایحه موافقم نهایت راجع به تفاوت بین رود آب و قنات آب ممکن است آقایان پیش نهاد بفرمائید تا يك ترتیبی برای اینکار معین شود که مطابق عدالت و تناسب باشد .  
 رئیس - شاهزاده محمد هاشم میرزا محمد هاشم میرزا - بنده مخالفم اجازه میفرمائید عرض کنم .  
 رئیس - بفرمائید .  
 محمد هاشم میرزا - این قانون میزری دو سه رتبه در دوره چهارم مجلس آمده و بالاخره نتوانستیم بفهمیم که این ترتیبی که آقایان در نظر گرفته اند از روی چه اصول و کدام مأخذ است ؟ اگر بدانیم از روی چه اصلی است آنوقت می توان موادش را از روی آن اصل و ترتیب تنظیم کرد . اولاً باید دانست که تنظیم قانون میزری از برای دو چیز بوده است یکی از برای تحویل مالیات آنها .  
 زیرا يك املاکی از قدیم آباد بوده که حالا خراب شده و يك املاکی تازه احداث شده که مالیات ندارد و علت دوم برای این بوده که يك عایدی متوجه دولت شود . در آن دوره بنده و آقای کازرونی مخالف بودیم و عرض میکردیم با این ترتیبی که دولت در نظر گرفته قطعاً عایداتش خیلی کمتر از سابق خواهد شد که این مسئله را ثابت کنیم .  
 این يك جهت مخالفت بنده است .  
 قسمت دوم از مخالفت بنده این است که این ترتیبی که مقرر شده معلوم نیست از روی چه قاعده است یا باید متعقد شد که هر چه از زمین میروید مالیات بدهد اعم از اینکه مال رعیت باشد یا مال مالك مال هر کس باشد باید از آن مالیات گرفت بدون اینکه در نظر گرفته شود که ترتیب تقسیم آنها چیست ؟ این يك ترتیبی است که يك اصل کلی را در نظر بگیرند و بگویند هر کس در مملکت عایدی دارد باید بقدر سهم خود مالیات داده و در خارج مؤسسات مملکتی شرکت و کمک کند منتهی چون بنده از مد نظر سیاسی مالیات مستقیم را بر مالیات غیر مستقیم ترجیح میدهم باید این مالیاتی که از مردم گرفته میشود طوری باشد که بطور تساوی گرفته شود .  
 یعنی همان طوریکه کسانی که اعم از رعیت یا مالک ملک دارند مالیات باید بدهند همانطور هم آن اشخاصیکه مزدورند و کار میکنند و يك عایدی دارند باید باز اندازه سهم خود مالیات بدهند حالا اگر مقصود این است که فقط مالک بدولت بدهد پس این لفظ عایدی که بطور مطلق و سر بسته در اینجا نوشته شده اسباب زحمت خواهد بود و همانطور که مذاکره شده در هر جائی يك اختلافانی از نحوه نظر تقسیم سهم مالک

و رعیت موجود است .  
 بنده حالا نمیخواهم آن مذاکرات را تکرار کنم ولی در هر حال يك قدر جامع و مشترک کی در همه جا موجود است و آن همان چیزی است که بطور خالص عایدی مالك میشود و این ترتیب در شمال و جنوب و مشرق و مغرب فرق ندارد و از روی این ترتیب دیگر هیچ لازم نیست بگوئیم ديك است یا پنج دو است یا چه ترتیب است فرضاً اگر بنده خواستم از خراسان بظهران مسافرت کنم در صورتیکه ملكی داشته باشم چه میکنم ؟ بدیهی است او را يك نفر اجازه میدهم و مستأجر قبول میکند که پس از وضع مخارج فلان مقدار بن بدهد . آن چیزی که پس از وضع مخارج بمن میرسد همان عایدی ملك من است و از آن دولت باید مالیات بگیرد پس بهترین ترتیب این است که نوشته و قید شود .  
 مقصود از عایدی ملك آن قسمتی است که مستأجر یا مباشر شرح در فرقه مالك میدهد اگر این ترتیب را مقرر دارند هیچ اشکالی ندارد و خیلی خوب است و علاوه این يك اصلی است که در تمام مملکت میتوان اجرا کرد و بنابراین خوب است در اینجا توضیح داده شود که عایدی ملك عبارت از همان چیزی است که مستأجر یا مباشر پس از وضع تمام مخارج بمالك میبرد حالا بنده کاری بآن ندارم که خوب است هر یکینند یا صدمه بگیرند یا صد یا زده بگیرند و بمقیده بنده اگر ده يك را با مالیاتهای که امروزه گرفته می شود موازنه کنیم می بینیم ديك کم است و باید زیاد تر گرفته شود . چنانچه امروزه از بعضی جا ها صد یا نوزده و از بعضی جاهای دیگر صد بیست مالیات میگیرند ولی از بعضی نقاط هم صد پنج میگیرند و این استنباطی ندارد .  
 باید يك طوری کرد که این عایداتی که از مردم برای خرج مؤسسات مملکتی میگیرند بطور تساوی باشد حالا بنده در مقدار میزانش که که چقدر خوبست بگیرند عرضی ندارم ولی عرض این است که این ترتیبی که این جا نوشته شده عادلانه نیست .  
 مادر این جا اسس را میگذاریم که از مالک مالیات میگیریم ولی ضمناً قائل می شویم که مالک هر کاری دلش میخواهد پارعیت بکند این ترتیب خیلی شبیه است به اوضاع پنجاه سال قبل که يك ایالت یا ولایتی را با یکی میسپردند و مالیاتش را هم جزو او میکردند و باومی میگفتند شما امسال دوهزار تومان بدولت بدهید وقتی که آن حاکم می گفت من از کجا بیاورم که دوهزار تومان اضافه بدهم

جواب میدادند و حالا بنده بعد از هر کسی خواستی در محل بگیر .  
 حالا ما هم همچو قائل می شویم که مالك بدهد هر کاری دلش می خواهد رعیت بکند .  
 مگر رعیت را بمالك فروخته اند که هر کاری دلش می خواهد با او بکنند نظر باشد ؟  
 این ترتیب هیچ وجه مطابق عدالت نیست اگر روزی پیش بیاید که بر مزدور دور هم مالیات ببندند آن وقت رعیت هم چون مزدور است باید بدهد ولی امروزه چون رعایا با زحمت شخص يك عایدی پیدا می کنند در تادیبه مالیات باید موخر باشند .  
 چنانچه در زکو هم همین طور است و عوائقی که برای قنات اولیه حاصل می می شود از زکو استثناء شد .  
 پس در این جا ما باید فراردهیم که کسانی با زحمت و مشقت خودشان يك چیزهایی برای قناتشان تحصیل می کنند آنها نباید چیزی گرفت .  
 یا باید بگوئیم تمام مردم باید در مخارج مؤسسات مملکتی شرکت کنند و همان طور که ما قانون اجباری وضع می کنیم و آنها ملکف می شوند خدمت نظامی را قبول کنند و حاضر می شوند بچنگ برونند همانطور هم باید قرار بدهیم هر کس هر مقدار عایدی دارد يك چیزی از عایدی خود را مبرای مخارج مملکتی بدولت بدهد منتهی بقدر مراتبهم یعنی هر کس بیشتر عایدی دارد بیشتر بدهد هر کس کمتر دارد کمتر بدهد .  
 ولی اگر مقصود از این قانون عایدی مالکانه است که آنهم باید تصریح شود تا بدانیم مقصود چیست ؟  
 اگر مقصود این است که از مالک بگیرد بعد از اواز رعیت بگیرد .  
 پس بهتر این است که اصولاً بگوئیم هر چه از زمین می روید باید مالیات بدهد . والا يك اشکالی درست می شود آن این است که آن وقت مالک هر کاری دلش می خواهد پارعیت می کند .  
 مالك بقدری که شرعاً اختیارات دارد می تواند پارعیت معامله کند و پیش از آن می تواند بر رعیت که زرخیده مالک نیست تا هر طوری که مالک دلش بخواهد با آنها رفتار کند ما آنها را که بمالك نرفته ایم از این جهات بنده مخالفم .  
 مخبر این بنده کمتر مدافعه کرده و در سر موضوع این لایحه کمتر به آقایان زحمت دادم برای این است که این لایحه يك لایحه است ، فوق العاده مهم است زیرا اساس يك مالیاتی است که تمام مردم کمال احتیاج را با او دارند .  
 برای اینکه بواسطه يك ترتیب و اشکالات فوق العاده که در نتیجه يك مدت طولانی که میوزی در

مملکت نشده اسباب زحمت هم برای مردم وهم برای دولت فراهم شده البته وضع این قانون یکی از کارهای مهم این دوره است که تکلیف همه معین می شود بیشتر می خواستیم افکار مجلس معلوم شود که در ضمن تکلیف کمیسیون هم معلوم بشود .  
 آنچه بنده در این دوره و همچنین در آن دفعه اول که این لایحه بمجلس آمد فکر آقایان را فرمودم این است که در ماده اول که اساس وضع مالیات را معین میکند در فکر بیشتر معهود نیست يك فکر که اکثریت مجلس آن فکر را دارد این است که مالیات از عایدات خالص مالکانه گرفته شود .  
 يك فکر دیگر این است که مالیات از مجموع كل عایدات گرفته شود این دو فکر هست و حالا هم بمقیده بنده (با اینکه این لایحه باید خیلی مورد دقت واقع شود) بعد گفتات مذاکره شده است یعنی اشخاصی که نظرات مختلف داشتند دلایل خودشان را اظهار کرده اند و چنانکه همه آقایان اطلاع دارند بعضی از آقایان هم پیشنهادهایی نه کرده اند و بمقیده بنده خوبست مذاکرات را در کلیات مطلب خاتمه داده و آن پیشنهاد ها که آقایان کرده اند قرائت شود و در اطراف هر يك مذاکرات بنمایند تا ما بینیم تکلیف چیست ؟ تکلیف با ماده برود کمیسیون و ثانیاً باید بمجلس بماند و در مجلس قاراً توجه بشود و ما در کمیسیون در آن مذاکره کنیم و نتیجه را بعرض مجلس برسانیم والا اگر آقایان بخواهند باز هم مذاکرات را ادامه بدهند یکی از این طرف و یکی از آن طرف حرف بزنند نتیجه حاصل نشده و مطالب از بین می رود و اگر آقایان این پیشنهاد و عرض بنده را قبول بکنند خوبست مذاکرات در اصل قضیه را کافی بدانند و پیشنهاد ها بپردازند .  
 جمعی از نمایندگان - صحیح است .  
 دست غیب - خبر در پیشنهاد ها باید مختصر مذاکره کرد و نمی شود تمام مطالب را گفت .  
 داور - بنده با کلیات مذاکرات مخالفم دست غیب بنده هم مخالفم رئیس - عند کافی نیست که رأی بگیریم .  
 آقای آقا شیخ فرج الله (اجازه)  
 آقا شیخ فرج الله مادر این جا لابدیم که یکی از دو اصل را در نظر بگیریم با این که هر چه از زمین بیرون می آید از آن مالیات بگیریم اعم از اینکه سهم مالک یا رعیت یا آب یا بقدر یا کار هر چه می خواهد

باشد .  
 در این قانون این مطلب منظور نیست و در واقع در این قانون پیش بینی کرده که از سهم رعیت و کاروان ها صاف نظر بشود و از آنچه که شخص سرمایه دار که مالکست میرسد از آن يك ديك گرفته بشود .  
 (حالا ده يك یا هر چه هست) وقتی که بناشد فرض این باشد که از سهم مالك که سرمایه دار است و از آنچه که باو عاید می شود گرفته شود این ماده این فرض را تمام نمی کند چرا ؟  
 برای اینکه می نویسند (از سهم مالکانه در کرمان معمولست که مالک بذر را می دهد پارعیت .  
 رعیت زراعت می کند .  
 وقتی که حاصل جمع شد و خرمن شد حساب می کنند هر ده من سه من با نشت از این خرمن پارعیت می برد باقی را مالک میزند خرج قنات و خرج بقدر تمام بعهده مالك است .  
 بعضی آقایان می گویند اینجائین قسم نیست و باید بذر پارعیت بدهد بنده میگویم حق همین است که بقدر را مالک بدهد والا اگر بذر را مالک نداد مستحق محصول نیست و محصول مال کسی است که بذر را زراعت کرده پس این عایداتی که این جا نوشته شده است وقتی حاصل را برداشت باید عشر از سهم مالکانه را بدهد و این مالیات بر بذر هم تعلق میگیرد و حال اینکه اساساً وضع مالیات بر بذر قانونی نیست از يك طرف در کرمان و بذر می بینیم قناتی دارد که ده فرسخ طول دارد و در آخرش تقریباً صد و پنجاه ذرع صد و هشتاد ذرع رسمان کار است خرج مستمری برای این قنات نیست و از همان حیثی که این قنات ها را کرده اند و از همان جنین که آباد شده بتفاوت پنجاه خروار شصت خروار صد خروار برای آن معین کرده اند این معنی که وقتی مالك بخواهد حق رعیت را بدهد بذر را هم که منظور کرده این قدر خرج هم برای قنات باید در نظر بگیرد .  
 ولی چون در آن جا برای معنی پارعیت پارعیت است و تومانی هم بتفاوت دولت مالیات می گیرد در موقع حساب افتاد هشتاد خروار هم از آن با نشت منظور می شود حالا این سهم مالکانه که این جا نوشته شده چه چیز تشخیص داده می شود ؟ اعتقاد من این است که يك عبارت جامعی اینچنان نوشته شود .  
 عبارت مادامه بطور است مالیات املاک را برای (بغیر از خالصجات انتقالی که بموجب قانون علیحدّه مشخص می شود) از سهم مالکانه بطریق ذیل مأخوذ خواهد شد .

ممکن است عبارت را بنویسیم - از عایدات خالص مالك يك عشر مأخوذ خواهد شد .  
 این عبارت جامع است و شامل کرمان خراسان و تریز و طهران و همه جای ولایات ایران میشود . این یکی .  
 یکی دیگر اینکه اگر ما ملاحظه خرج را نکنیم هم بعایدات دولت نکس میرسد هم بعایدات مالك و رعیت ملاحظه بفرمائید در همین باغ و باستان دو تا باغچه پهلوی هم باشد در يك ۲۰ بار کود بریزند در يكی دیگر تریزند از اولی صد من کاهو هاید میشود از دیگری ۵۰ من حالا اگر بناشد ملاحظه ۲۰ بار کود نشود و خرج منظور نشود سال دیگر آن هم که فلان قدر خرج میکنند خرج نخواهد کرد و مثل آن یکی آنوقت اینهم ضرر برای عایدات دولت و هم ضرر بزرعراست رسیده است بجهت اینکه آن یکی هم ۵۰ خروار محصول می دهد و بجای ۱۰ خروار که سال قبل بدولت داده است امسال ۱۰ خروار میدهد .  
 وهم عوارض صد خروار حاصل و ۵ خروار هاید شده است پس با این عبارت مجبم که نوشته شده است (از سهم مالکانه) که معلوم نیست بذر منظور هست یا نیست خرج قنات مستثنی شده است یا نه .  
 بعد در ثانی می نویسند از اراضی آبی ۰۰۰ و ۰۰ فرقی بین چشمه و قنات نمی گذارند باین نظر بنده با این ماده مخالفم .  
 جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است .  
 یکنفر از نمایندگان - خیر کافی نیست .  
 رئیس - رأی گرفته می شود آقایانی که مذاکرات را کافی می دانند قیام فرمایند .  
 (عده قلبی برخاستند)  
 رئیس - معلوم میشود کافی نیست آقای آقا سید یعقوب (اجازه)  
 آقا سید یعقوب دو موضوع است که باید اول از نقطه نظر علمی حل بکنیم آن وقت گمان میکنم این اشکالهایی که در این ماده بین آقایان هست بر طرف میشود يك موضوع ما بین کمیسیون و نمایندگان و اولیاه ووزارت مالیه است که وزارت مالیه در نظر دارد نسبت باین نقد و جنس که الان تحصیل میکند کمتر نشود این يك مسئله است که وزارت مالیه و ماورین وزارت مالیه می گویند ما برای میزری حاضر می شویم و در محلها میزری میکنیم بشرط اینکه عایدات دولت از این کمتر نشود لیکن عقیده کمیسیون و ما اینست که میزری کردن است مطلقاً چه کم بشود چه زیاد ما معتقد هستیم که حتماً میزری را بروجعی بکنیم که از آن چیزی که الان دولت از

محلها می گیرد هیچ کم نشود بعلت اینکه نظر ما این است .  
 این هر چه مرجی که نسبت بمالیات نقدی و جنسی و این زحمتی که برای دولت و ظلم هائیکه نسبت بر رعایا هست برداشته شود بنده کاملاً می دانم که بعضی ازدهات هست که بکله باید و نابود است و همان مالیاتی که در زمان عباس میرزا که میزری کردند اند بر محل ها و ملکها بسته اند هنوز گرفته میشود و همچنین بعضی دهات هست که بعد از آباد شده و چون از آن وقت تا حال میزری نکرده اند آنها مالیات ندادند و حتماً باید باین ترتیب خاتمه داده شود .  
 اما دیگر این را تطبیق کنیم و ببینیم این دو تا مالیات های فعلی و مالیات که بعد از میزری که در حاصا مشهور است کدامیک بیشتر است و آیا همین حال کنونی باقی مماند با کثرت یا زیادتر م شود ما این نظر را ندارم و اولیای امور وزارت مالیه هم باید نظرشان در تبدیل باشد نه در حفظ میراث عایدات و نظرشان این باشد که در تبدیل مالیات بکفالت اساسی بر دارند و اگر هم در سال اول دوم اجرای میزری از این عوائدی که الان دارند کسر شود چون نظر اصلاحی است نباید اهمیت بدهند . بین معنی باز این را توضیح بدهم .  
 درست است که وزارت مالیه مأمور جمع عوائد است لیکن در تمام قدهایش نباید نصب العین خود عایدات را قرار بدهد بلکه بعضی قدهای اصلاحی اساسی هم باید برداشته شود مثلاً در معاکمات می آیند قائل میشوند و عوائدی هم از این راه برای دولت قرار داده اند لیکن مقصود اصلی از معاکمات خصومت است و نظر عدله باید اول بقطع خصومت باشد ولو اینکه چیزی عاید دولت بشود یا نشود .  
 در موضوع تبدیل مالیات هم بمقیده بنده نظر دولت و وزارت مالیه نباید بجز حفظ عوائد باشد بلکه مقدم بر حفظ عوائد رفع اشکالات و هر چه موجب رفع حقیقه نظر باید تبدیل باشد .  
 بر فرض اینکه عوائد دولت در سال های اول و دوم کسر شود بعد خودش راحت میشود از دست این تحصیلدار ها و این ادارات که از برای جمع نقد و جنس استخدام شده اند و از این حیث خرجش خیلی تفاوت میکند .  
 این يك موضوع است که بین کمیسیون و مجلس و اولیای وزارت مالیه و آقایان هست و باید حل بشود .  
 يك مسئله دیگر هست که موضوع علمی است و آنرا بعرض آقایان می رسانم و آن اینست که هیچ وقت نشده است موضوع مختلف میباشد و واجب خواهد بود .



چطور؟ حال عرض میکنم؛ دولت میخواهد مالیات يك نسق و متحدالشکل در مملکت داشته باشد. ماها از ولایات مختلف شده ایم جا سهم مالک و رعیت بکجور است. بنده می گویم دولت باید مطابق آن چیزی که در دما بیان مالک و رعیت هست آنجور بکیرد.

دامغانی می گوید در دامغان اینطور است. مدرس می گوید در اصفهان اینطور است و باید اینطور بکیرد اینها موضوع های مختلف است بنده می گویم يك مبادی مختلف که عمل رعیت و مالک مختلف است یا جهات اختلاف است با جهات اختلاف چگونه میشود مبدأ برای عمل و وضع يك مالیات واحد بشود؟

مأمی گویم بآن اختلاف خودمان باقی باشیم ولی دولت هم بآن نظر وحدت باقی باشد و این مجال است که این هر دو نظر با هم جمع شود؛ بعلم اینکه مامی گویم همان ترتیبی که بین مالک و رعیت در عراق زده است باین ترتیبی هم کدر گیلان بوده است باید باقی باشد لیکن دولت از آنجا هم شهر بکیرد از اینجا هم شهر بکیرد و حال آنکه در یکجا ضرر کلی برای دولت است و نفع کلی برای مالک و در جای دیگر بعکس این ترتیب است.

این دو قضیه متناقض است و باید يك قدری هم نزدیک شویم. حالا آمدیم سر نزدیک شدن آقا باین تصدیق دارند که تغییر دادن رژیم یعنی آمدن از حالتی بحالتی دیگر و این تغییر رژیم برای این است که در تمام اوضاع و حالاتمان تأثیر بکنند. حکومتان بهم بچورد.

مالیات وضعی که سابق می گرفتیم بهم بخورد و روز و روز حیدر است. ترتیب هم باید جدید باشد.

ما از جهت اینکه در دوره های سابق می دانستیم طریق مالیات عادلانه نیست گفتیم مشروط شود.

قانون هم بگذاریم که در مالیات گرفتن وسایل امورمان از روی قانون عمل کنیم و همه امور را مطابق با اصل مشروطیت بکنیم حالاً ما در این موضوع شتر مرغ شده ایم؟ از یکطرف می گوئیم باید در همان حالت استبدادی خودمان باقی باشیم و مالیاتمان بطور دوره استبداد باشد از یکطرف می گوئیم قوانین مشروطه هم باشد این نمی شود! دیروز هم که آقا باین متوجه نشدند بمرض بنده.

عرض کردم با اختلافاتی که در بین رعایا و مالک در ولایات مختلفه مملکت هست نمی شود هر يك از آن اختلافات را ما در نظر بگیریم و مالیات را بصورت

واحد وضع کنیم پس ناچاریم مالیات را به صورت واحد قرار دهیم. دولت حق خودش را می گیرد (حالا جواب شاهزاده محمد هاشم میرزا را میدهم) بنده نگفتم مثل همان عهد استبداد هر طوری که مالک میخواهد سر رعیت را ببرد.

عرض کردم دولت حق خودش را از عوائد مالکانه بگیرد بعد کار نداشته باشد که مالک با رعیت چه ترتیبی درست میکند و نقطه نظر بنده در این عرض که کردم حفظ مالکیت خصوصی بود یعنی می گفتیم دولت حق ندارد بگوید؛ مالک تو از رعیت اینقدر بگیر. رعیت تو بمالک اینقدر بده.

بین مالک و رعیت يك معاملات اربابی و رعیتی هست دولت نباید در آن معامله مداخله کند؛ مالک باید در ملک خودش مستقل و مختار باشد.

بنده خواستم این نظر را محفوظ داشته باشم نه اینکه شما بخواهید امروز در تحت بیاناتان بن حمله بکنید. باید دولت چون طریقش طریق واحد است وضع مالیات را از طریق واحد بکنند؟ حالا طریق واحد بنده هم در اینجا با حضرت والا موافق هر جور میخواهد بگیرد. شهر نیم عشر. خمس بآن کار ندارم ولی شما هر کدام نماینده يك ولایت یا يك ایالت هستید و تمام آن اختلاف ولایات و ایالات را اگر بخواهیم با هم جمع کنیم نمی شود. زیرا اختلاف بتمام جهات است و باید دولت يك وضع واحدی را قرار دهد و بگوید من از عایدات خالص مالک مالیات می گیرم.

مالک در ملک خودش رعیت در کار خودش آزاد است هر ترتیبی می خواهند بین خودشان قرار بدهند مالک رعیت را نمی گویم رعیت را هم آزاد میدانم.

شیروانی رعیت مملوک نیست ز خرید نیست.

آقا سید یعقوب حمله نکنید. من منکر رعیت نشده ام. قربان رعیت هم میروم. رعیت هم آزاد و راحت است. قانون مقدس اسلام چنان مساواتی بین رعیت و مالک قرار داده که هیچ قانونی بالاتر از قانون مقدس اسلام تساوی را نمی آورد این مسلم است.

جمعی از نمایندگان صحیح است.

آقا سید یعقوب پس از اینکه قبول کردیم که این اختلافات را نمی شود میده از برای شیئی واحد قرار داد آن وقت ناچار دولت می آید شکل واحدی قرار میدهد و میگوید؛

از روی این ترتیب من اخذ مالیات میکنم و آن را میده بدست امنای مالیه و شروع میکنند بآن ترتیب اخذ می کنند

طولی هم نمی کشد. البته هر قانون اول مشکل است و پس از یکی دو سال که گذشت هم دولت آسوده می شود مردم و يك ترتیب خوب در وضع رعیت و مالکی خودشان میگذارند آقا باینکه در اینجا تشریف دارند در حضورشان عرض میکنم که اینقدر شما مته بخشش نکند داشته باشید که از آن سیه هزار خروار بعد از میز نیم خروار هم کم نشود؟ خیر؟ کم بشود. دیگر چکار کنیم؟ میخواهیم تبدیل کنیم. کم هم شد بشود.

ماحتماً قسم نخورده ایم که يك خروار هم کم نشود؟ شاید زیاد شد.

این مسئله را شما از گوش خودتان بیرون کنید فرض هم کم شد. بشود ما می خواهیم قدم اصلاحی برداریم و میخواهیم این اختلافات مالیاتی را از بین برداریم. حالا آمدیم سر يك مسئله که آقا باینکه در شور اول بیان کردند و بنده هم کاملاً موافق آن مسئله کدام است؟ این است که باید مالیات را بر سر مایه تعیین کردند بر کار زمین. سرمایه کدام است؟ سرمایه آب است و زمین.

درواقع همان بیاناتی است که شاهزاده شیخ الرئیس فرمودند. بنده وقتی از شهر تهران رفتم يك زمینی دارم اجاره می دهم. چه چیز به من میدهند؟ همان چیزی را که به من میدهند باید بر آن مالیات تعلق بگیرد. بر بندر و تنم و عوامل مالیات تعلق نمی گیرد.

در سابق هم همین طور بوده و در نصاب زکوة هم همینطور است و موافق عدل و انصاف هم هست. بواسطه اینکه مالیات بر سرمایه است.

بر زحمت نیست بر آب و زمین که سرمایه است اگر مالیات قرار بدهند ضرر به هیچ جا هم وارد نمی آید و هیچ وقت هم تقلیل ندارد. و آن لایحه راهم که آقا بصدق السلطنه در دوره چهارم پیشنهاد کرده بودند همینطور است و لایحه اش هم خدمت آقا بدامغانی است.

در دوره چهارم هم مالیات را بر عایدات خالص مالکانه که در واقع سهم آب و زمین است قرار داده بودند. و مادر جواب آقا بدامغانی؛

بنده دیروز هم عرض کردم و خواستم این را وجود خارجی بهش بدهم و آن این بود که گفتند خارج قنات بطور مطلق از رود آب زیاد تر است.

بنده عرض کردم مختلف است همین الان بروید زردولاب بیرون شهر به بیند رود آب است شبانه و روز دوست پنججاه تومان آب خریده اند وقتی که ملاحظه بفرمائید می بینید چند قسم قنات داریم قنات داریم پنججاه هزار تومان هم نمی شود خرید و بیشتر تمام می شود قنات هم داریم که هشتصد تومان تمام می شود.

پس اینها را نمی توانیم میده و مقرر قرار بدهیم. باید میده همان مالیات بر آب و زمین را قرار بدهیم نه مالیات بر کار و منفعت را. تا این اشکالات برداشته شود.

بنده عقیده ام این است که باید همه اینها را در نظر گرفت و این قدر هم جدیت نداشته باشید که مالیات دولت کسر نشود. بسیار خوب بشود ما این قدر در اربابان تأمین مالیات کرده ایم که دیگر قرضه اینها را نباید بخورید.

وزیر مالیه - بنده نمی خواهم زیاد مزاحم و مصلح خدمت آقا باین محترم بشوم به جهت اینکه تصور میکنم در این موضوع هر چه زیاد تر مذاکره بشود در نتیجه بر سیم به نقطه حقیقی بهتر است و از آقا باینی هم که اظهار می کنند مذاکرات کافی است خواهش می کنم که اصراری در این باب نداشته باشند.

زیرا مطلب خیلی مهم است و مواد آن مواردی نیست که دولت مذاکرات را لازم نداند برای اینکه این قانون پایه و اساس مالیه مملکت است و البته باید زیاد درش صحبت بشود و اگر يك جلسه بعد بدهم در سر این ماده مذاکره بشود هیچ ب ندارد. برای اینکه باید نتیجه طوری بشود که زحمتی بر کسی نباشد.

فقط بنده چیزی که می خواهم عرض کنم این است که آقا سید یعقوب يك بیانات خوبی کردند و البته اساساً این لایحه رای تبدیل است یعنی برای این است که با حجاج و تعدی نسبت به مؤدیان مالیات نشود و تبعیض هم از بین برداشته شود و طوری نباشد که بعضی مالیات ندهند بعضی کمتر و بعضی بیشتر بدهند مطلب این است.

ولی اینکه فرمودند دولت و مخصوصاً وزارت مالیه مته بخشش نکند از آن این نظر را نداشته باشد که عایداتش کم می شود. این البته تا يك حدی صحیح است.

اگر در این تبدیل مالیات فرض بفرمائید در پنج میلیون یا شش میلیون عایدی که برای دولت هست اگر صد یا دویست یا سیصد هزار تومان کسر بشود. البته می توان گفت دولت نباید چندان اهمیت بدهد و باید این گذشت و تحمل ضرر را در مقابل این تبدیل مالیات بنماید.

اما توجه بفرمائید در يك بودجه بیست و چهار میلیون باین زحمات و مخارجی که ما داریم اگر بنا باشد که بکم تر بماند تا يكه از این هر حاصل می شود نصف یا ثلث یا حتی ربع کم شود يك میلیون يك میلیون و نیم کسر شود آید دولت و مملکت میتواند تحمل کسر شود. تصور میکنم تصدیق کنید که نمی شود.

چرا برای اینکه همانطور که آقا باین اطلاع دارند همیشه دولتها در مقابل مخارجشان مایه ایدت تأسیس کنند و مقرر اتفاق می افتد که دولتها يك مالیاتی که معین میکنند مثلاً در دلیون عایدی هست و فرض بفرمائید نرخ مالیات هم صدی پنج باشد در صورتیکه ضرورت اقتضاء کند که عایدات را زیاد کنند یا اینکه حوائج زیاد نشود می آید این صدی پنج را صدی شش میکنند و نمی شود تمام نظر را بر این قرار داد که مالیات چگونه بمرم مردم تعلق می گیرد البته عایدات دولت راهم باید در نظر گرفت عرض کردم اصل نظر این است که تبدیل بشود اجزای و تعدی از بین برود.

ولی مقصود عمده بنده از این عرض که حالا میکنم این است که اگر آقا باین سید یعقوب گمان میکنند دولت در حد افراتر میده البته مجلس شورای ملی هم از آن طرف نباید در حد تفریط برود و باید هر دو طرف را در نظر داشت.

بنده خود نمی خواهم داخل در این موضوع بشوم ولی عرض میکنم باید در این باب مذاکره بشود تا مشکلات شکافته و معلوم شود همه ماها بدانیم که عیب در کجا است؟ و باید در نظر گرفت که يك اصل و پایه را اتخاذ کنیم که آن اصل صحیح چیست؟ آیا اصل صحیح این است که مالک تنها بدهد یا رعیت تنها بدهد؟ یا اینکه هر دو بدهند؟ و البته این مشکل هم از اینجا تولید شده است.

چون در مملکت مادر تمام نقاطش بین رعیت و مالک روابطش يكسان نیست و در تحت اوضاع مختلف است و بنابراین در نتیجه بیش آمد مختلف بعضی جاها مالک بیشتر میبرد زارع کمتر میبرد بعضی جاها بعکس است زارع بیشتر میبرد مالک کمتر میبرد. در اینصورت باید همه اینها را در نظر گرفت که به مشکلات بر نخوریم. از آن طرف آقا سید یعقوب می فرمایند مالیات بر سرمایه است نه بر کار.

در صورتیکه اصل دیگری راهم باید در نظر گرفت که مالیات نه بر سرمایه است نه بر کار بلکه مالیات بر عایدات است پس ما کدام اصل را باید اتخاذ کنیم. مالیات بر کار است؟ بنده عقیده ندارم. مالیات بر عایدات است؟ آنوقت اگر هم مالیات بر عایدات باشد باز يك قدری کار مشکل میشود که مثلا بچه دلیل مالک تنها بدهد و رعیت ندهد بنابراین اینها را باید در اطرافش مذاکره کنیم تا اینکه ب نتیجه اصلی برسیم.

رئیس - آقا باین روحی پیشنهاد کرده اند که باید قرائت شود (بعضیون ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم که ماده اول به کمیسیون ارجاع شود تا مطالعات کامل در

آن بعمل آید و نسبت بسایر مواد مذاکره شود.

رئیس - گمان نمی کنم ارجاع بکمیسیون ممکن باشد

آقای روحی (اجازه)

روحی - بنده تقاضا میکنم از آقا باین که موافقت بفرمائید ماده بر گردد بکمیسیون. بجهت اینکه تصور میکنم ده جلسه دیگر هم مجلس نتواند این کار را خاتمه بدهد و باید ماده طوری تنظیم بشود که ملاحظه و رعایت تمام جهات مملکت بشود.

بنده از قسمت کرمان اطلاع دارم که این ماده کاملاً بضرر ایالت کرمان خواهد بود و آقا سید آقا شیخ فرج الله هم در این موضوع مذاکره کردند ولی کمیسیون در ظرف این مدت يك نظر مرانه پذیرفت. حتی از بعضی از آقا باین نمایندگان هم که اطلاعاتی داشتند نخواستند کسب نظر نمایند و نظر آنها را بفهمند چیست و آنها را در این مسئله شرکت بدهند در اینصورت این ماده با وضعیت خیلی از نقاط موافقت نمیکند و بهتر این است آقا باین موافقت بفرمائید که این ماده برود بکمیسیون و آقا باین و کلای محلی هم بپایند در کمیسیون و نظریات خودشان را بگویند و آنجا مطلب را بصورت جامعی در آورند و مجدداً بپایند در مجلس والا باین ترتیب تاده جلسه دیگر مذاکره کافی نخواهد شد و نتیجه هم بدست نخواهد آمد.

مخبر - بنده يك نکته را باید بعرض آقا باین برسانم و آن این است که این ماده اگر با این ترتیب و باین حال حاضر بر گردد بکمیسیون کمیسیون نمی تواند در این موضوع مذاکره کند و اظهار عقیده نماید بلکه باید در مجلس آقا باین پیشنهادات خودشان را بدهند هر کدام قابل توجه شد آنوقت در اطراف آن مذاکره میشود.

زیرا کمیسیون باید نظریه مجلس را بپایند اما اینکه فرمودند و کلای محلی برای اطلاع ایشان عرض کنم اینهایی که در کمیسیون هستند شاید محلی تر از دیگران هستند.

رئیس - آقا باینکه تقاضای آقا باین روحی را تصویب میکنند قیام فرمائید (چند نفری قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد اجازه میفرمائید چند دقیقه تنفس داده شود؟

جمعی از نمایندگان - صحیح است (در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از سه ربع ساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - چون در آخر مجلس عده برای رای گرفتن کافی نیست اجازه میفرمائید چند نفره خبر کمیسیون مرخصی قرائت شود و رای گرفته شود

ایشان تجدید تقاضا کردند و کمیسیون نظر به کسالتی که ایشان داشته اند در اموجه بنداشته از اول فروردین تا پنجم خرداد غیبت قهری ایشان را تصویب می نماید.

رئیس - آقا باینکه مرخصی شصت و پنج روزه آقا فتح الله خان اگر بر آن تصویب می فرمائید قیام فرمائید.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد.

مذاکرات راجع بماده اول قانون ممیزیست.

آقای قشقانی - راجع بماده اول قانون ممیزی فرمایشی دارید؟

اسماعیل خان قشقانی - عرضی ندارم.

رئیس - آقا آقای آقامیرزا شهاب آقامیرزا شهاب - عرضی ندارم.

رئیس - آقا سلسطانی - عرضی ندارم.

رئیس - آقا میرزائی - عرضی ندارم.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

(بعضی می گفتند کافی نیست)

رئیس - تصویب شد.

پیشنهاد آقا میرزائی (شرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد می کنم ماده اول بطریق ذیل اصلاح شود:

از املاک مشروبه از قنات پس از وضع صدی ده از املاک مشروبه از رود پس از وضع صدی یا زده از املاک مشروبه از چشمه پس از وضع صدی سه از سهم مالک مالیات دریافت شود.

رئیس - آقا میرزائی (اجازه)

میرزائی - بنده که این پیشنهاد را کردم از نقطه نظر اینست که املاکی که از قنات مشروب میشود يك مخارجی دارد که بهمان مناسبت املاکی که از رودخانه مشروب می شود مخارجش زیاد تر است از املاکی که از چشمه مشروب می شود.

البته املاکی که از رودخانه مشروب می شود آتهم بواسطه سیل سالی دوسه مرتبه دچار زحمت و خسارت میشوند به اینجهت بنده این پیشنهاد را کردم دیگر بسته است به نظر آقای مخبر.

فیر وزیر - يك مرتبه دیگر این پیشنهاد خوانده شود.

(مجدداً شرح سابق خوانده شد)

آقا سید یعقوب - بنده تقاضا میکنم تجزیه شود.

مدرس - مقرر بفرمائید پیشنهادها را بخوانند.



رئیس - مخالفی ندارد تمام پیشنهادها خوانده شود؟

**جمعی از نمایندگان - خیر؟**  
(شرح آتی فرانت شد)

پیشنهاد میرزا بدالله خان - بنده پیشنهاد می کنم ماده اول بترتیب ذیل اصلاح شود

ماده اول - مالیات املاک اربابی به غیر از خالصجات اشکالی که بموجب قانون علیحدہ مشخص می شود از سهم خالص مالکانه صدی ده ماخوذ نمی شود.

۲ - پیشنهاد آقای یاسائی - بنده پیشنهاد می کنم ماده اول اینطور اصلاح شود

مالیات املاک اربابی ( به غیر از خالصجات انتقالی که بموجب قانون علیحدہ مشخص می شود ) از سهم مالکانه متعلق بآب و زمین به طریق ذیل ماخوذ خواهد شد .

ازدم ۱۰

ازمراتب و جنگلها ۱۰

از غیردیم و اراضی مشروبه ازقنات پس از وضع صدی پانزده ۱۰

پس از وضع صدی پانزده ۱۰

از غیردیم و اراضی مشروبه از رودخانه پس از وضع صدی پانزده ۱۰

از قنات بدون اراضی پس از وضع صدی پانزده ۱۰

از چشمه ورود بدون اراضی پس از وضع صدی پانزده ۱۰

از عایدات اراضی بی آب پس از صدی پانزده ۱۰

تبصره ۱۰ - حصصا بیکه عایدات ملکی آنها در سال بیش از پنجاه تومان نیست از تبصره ۲ کلیه مالیات نقدی است و به از این مالیات جنسی مطلقاً اخذ نخواهد شد.

۳ - پیشنهاد آقای محمد هاشم میرزا - پیشنهاد می کنم نوشته شود - صدی ده از عایدات خالص ملک

۴ - پیشنهاد آقای سلطانی - بنده پیشنهاد میکنم در ماده اول قسمت دوم باین طریق اصلاح شود:

۵ - پیشنهاد آقای دست غیب - پیشنهاد مینمایم پس از وضع صدی ده از عایدات مالکانه عشر گردد

۶ - پیشنهاد آقای سلطانی پیشنهاد میکنم که در آخر ماده اول اضافه شود و هر گاه مقداری آب داشته باشد که کافی نباشد و آب هم خریداری میشود به همان نسبت دریافت شود.

۷ - پیشنهاد آقای مرتضی قلیخان بیات - بنده تبصره ۳ را ب ماده اول اضافه و پیشنهاد می نمایم

تبصره ۳ در صورتیکه پدر را مالک

بدهد بذرا عایدات مالک کسر شده از بقیه مالیات فوق دریافت خواهد شد.

۸ - پیشنهاد آقای محمد هاشم میرزا - بنده پیشنهاد میکنم این تبصره علاوه شود سهم مالک عبارت از مقدار یا مبلغی است که مستاجر یا زارع در صورتیکه تمام مخارج را عهده دار شود (مسئله بمالک می پردازد

۹ - پیشنهاد آقایان دستغیب و حاج میرزا علیرضا - بنده پیشنهاد می نمایم عبارت اینطور نوشته شود که از عایدات خالص مالکانه عشر دریافت می شود اعم از رود آب و قنات پس از وضع بذر

۱۰ - پیشنهاد آقای حائری زاده - عوض ماده اول سه ماده ذیل را پیشنهاد می کند.

اول - مالیات کلیه املاک اربابی عبارت است از عشر عایدات دو عامل مهم زراعت یعنی آب و زمین بعد از وضع مخارج دوم تادیه کننده مالیات کسی است که عواید و عوامل آب و زمین را می برد سوم مخارج مذکور در ماده اول در هیچ مورد بیش از ضمن منظور نمی شود.

تبصره اول و دوم به حال خود باقی است .

۱۱ - پیشنهاد آقای دکتر محمدخان مصدق - بنده پیشنهاد میکنم که ابتدای ماده اول چنین نوشته شود و تبصره دوم حذف شود:

ماده اول مالیات املاک اربابی ( غیر از خالصجات انتقالی که بموجب قانون علیحدہ مشخص می شود ) از عایدات دو عامل مهم زراعت زمین و آب بطریق ذیل اخذ می شود و عوامل ثلاثه دیگر ( دست و کاویا ماشین زراعتی و بذر ) از مالیات معاف است الا آخر .

۱۲ - پیشنهاد آقای زاهدی - این جانب پیشنهاد میکنم که مالیات اراضی باین قسم تنظیم شود ۲۳٪ بعنوان سهم پدر و عمارت اراضی از مالیات معاف ۱۰٪ برای مخارج قناتی و آبیاری از مالیات معاف ۱۰٪ برای مخارج شخم و درود و مخارج صحرا از مالیات معاف ۱۰٪ بری صحیه زارعین از مالیات معاف ۱۰٪ برای مخارج عمومی زارعین از مالیات معاف از بقیه یک عشر مالیات از مالک گرفته شود یعنی صد و نهیم از کل عایدات نقدی و جنسی

۱۳ - پیشنهاد آقای آقا شیخ جلال اصلاح ماده اول را بشرح ذیل پیشنهاد می نمایم

۱ - در هر یک از اقلام هفتگانه دو صدم اضافه شود)

۲ - در زراعت با آب قنات صدی ده و زراعت با رودخانه و چشمه صدی ۵ بابت مخارج آب و روشو موضوع گردد)

۳ - توضیح داده شود که سهم مالکانه

مباغ یا مقداری است که مستاجر بدون شرط افت سهم مالکانه از مالک اجاره می نماید.

۱۴ - پیشنهاد جمعی از نمایندگان - که به موجب قانون عایدات املاک اربابی ( با استثناء خالصجات انتقالی که بموجب قانون جدا گانه تعیین خواهد شد ) بطریق ذیل مالیات دریافت میشود .

۱ - از مراتب و جنگلها ۱۰

۲ - از قنات آب بدون اراضی ۸

۳ - از طواحین و آبدنک ۸

۴ - از دیم ۷

۵ - از رود آب اراضی ۷

۶ - از قنات آب با اراضی ۵

۷ - از اراضی بدون آب ۴

تبصره - بیست و پنج درصد از کل عایدات خالص که در نتیجه اجراء این قانون بدست خواهد آمد منحصرأ برای رفع احتیاجات صحی و توسعه تعلیمات ابتدائی مجانى و فلاحى مملکت مصرف خواهد شد .

شریعتزاده - اسدی - داور - عطیعی

دکتر حسین بهرامی - تجدد - شیروانی

سلیم ایزدی - سید محمد تدین - دیوان - بیگی

۱۵ - پیشنهاد آقای روحی - مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی فخره دوم از ماده اول را بدو قسمت ذیل پیشنهاد می نمایم از قنات بعد از وضع صدی ده بابت مخارج صدی از رود آب و چشمه بعد از وضع صدی پنج صدی

۱۶ - پیشنهاد آقای آقا شیخ فرج الله بنده پیشنهاد می کنم در سطر دوم از ماده اول بجای سهم مالکانه نوشته شود از عایدات خالص مالک بعد از خرج یک عشر ماخوذ خواهد شد.

۱۷ - پیشنهاد آقای طهرانی - این بنده پیشنهاد می نماید که ماده اول به طریق ذیل اصلاح بشود

ماده اول - عواید املاک پنج سهم تسهیم خواهد شد - سهم زمین آب رعیت گاو و شخم و مالیات اربابی ( غیر از خالصجات بطریق ذیل اخذ خواهد شد سهم زمین خواه آبی باشد خواه دیمی صدی ده سهم آب پس از وضع صدی پنج در قنات ۱۰

از مراتب و جنگلها ۱۰

از طواحین و آبدنک ۷

۱۸ - پیشنهاد آقای مدرس - پیشنهاد می کنم ماده اول با اصلاحات ذیل نوشته شود مالیات آب و زمین ( غیر از خالصجات انتقالی که بموجب قانون علیحدہ نوشته شود از سهم خالص مالکانه از آب و زمین بطریق ذیل ماخوذ می شود

از دیم و چشمه و مراتب و جنگلها عشر

از قنات و رودخانه بعد از وضع عشر بجهت مخارج عشر از زمین تنها بعد از وضع صدی پنجاه بجهت مخارج آب و غیره عشر

از آب تنها بعد از وضع عشر بجهت مخارج قنات - عشر از طواحین آبدنکهای آبی و بخاری آنچه عاید مالک می شود صدی با اضافه دو تبصره

۱۹ - پیشنهاد آقای داور - بنده پیشنهاد میکنم ماده اول باین طریق اصلاح شود - مالیات املاک اربابی بغير از خالصجات انتقالی از کل عایدات بطریق ذیل ماخوذ خواهد شد از دیم ۷ از غیردیم هر الی آخر ماده

۲۰ - پیشنهاد جمعی از آقایان - ما امضاء کننده گان ذیل اصلاح ماده اول قانون مبعوضی را نحو ذیل پیشنهاد می کنیم

ماده اول - مالیات املاک اربابی بغير از خالصجات انتقالی که بموجب قانون علیحدہ مشخص می شود از سهم مالکانه با استثنای مخارج بذر گاه و سهم بزرك بطریق ذیل ماخوذ می شود از دیم از قرار صدی ده از املاک مشروبه از قنات پس از وضع صدی پانزده بابت مخارج صدی از املاک مشروبه از رود آب پس از وضع صدی پنج بابت مخارج صدی ده از عایدات قنات بدون اراضی پس از وضع صدی پانزده بابت مخارج صدی از عایدات چشمه و رود بدون اراضی بعد از وضع صدی پنج صدی ده از عایدات اراضی بی آب بعد از وضع قیمت آب سه سهم آن صدی ده دو تبصره به حال خود باقی خواهد بود .

۲۶ - پیشنهاد آقای اتحاد - بنده پیشنهاد میکنم از کل عایدات املاک اربابی ( با استثنای خالصجات انتقالی مالیات بطریق ذیل اخذ خواهد شد: از دیم صدی هفت از رود آب صدی ده از قنات آب صد چهار از کاو چاه صدی سه

۲۷ - پیشنهاد آقای امامی - پیشنهاد می شود قسمت در ماده اول اینطور نوشته شود: از غیر دیم عموماً پس از وضع بذر صدی ده .

۲۸ - پیشنهاد آقای مدرس - پیشنهاد می کنم تمام پیشنهاد ها بر گردد به کمیسیون بعد از تأمل نتیجه را پیشنهاد کنند آقایان اعضاء کمیسیون آقایان پیشنهاد کننده را دعوت کرده توضیحات بدهند .

رئیس - خطاب به آقای مدرس توضیحی بطلب بفرمائید .

مدرس - توضیحش این است که آقایان همه مستعززند که این پیشنهاد ها با هم صد جامع دارد و باید کمیسیون در مشاغله کند و یک نظر جمعی اتخاذ کند و مجدداً به مجلس پیشنهاد نماید .

رئیس - آقای داور ( اجازه )

داور - نظری که آقای مدرس دادند شبلی خوبست و البته اگر کمیسیون بتواند

یک نظر جمعی تقدیم مجلس کند خیلی بهتر است ولی اساساً باید دید که کمیسیون از چه نقطه نظر می تواند این پیشنهاد ها را در ش دفت کند غالب این پیشنهادها دو جنبه دارد .

ممکن است کمیسیون در نظر بگیرد که فلان پیشنهاد را با فلان پیشنهاد اگر ترکیب کنند خوبست ولی نمی تواند آیا این پیشنهاد در مجلس طرفدار دارد یا ندارد ؟

شاید وقتی آمد به مجلس اینجا مخالف پیدا کند به این لحاظ است که اول باید پیشنهاد ها در مجلس قابل توجه شود بعد برود به کمیسیون و گمان می کنم خود آقای مدرس هم قبول بفرمایند که ابتدا در پیشنهاد ها مذاکره بشود هر کدام قابل توجه شد برود بکمیسیون و هر کدام که نشد هیچ .

مخبر - بنده اظهارات آقای داور را تأیید میکنم ما که نمیتوانیم همه آقایان را در کمیسیون دعوت کنیم و اگر فرضاً بخواهیم همه چوکاری را بکنیم و همه نفر را در آنجا دعوت کنیم تازه ترتیب آنجا طوری است که بنظم و ترتیب اینجا نیست و بالاخره نتیجه هم نمی گیریم این پیشنهاد هائی که قرائت شد بنده خوب گوش دادم دو جنبه دارد یکی پیشنهادی است که آقای دکتر محمدخان مصدق با جمعی از آقایان کرده اند و یکی هم پیشنهادی است که آقای مدرس و آقای حائری زاده و جمعی دیگر از آقایان کرده اند و یکی هم پیشنهادی است که آقای تدین و آقای داور و جمعی دیگر کرده اند .

این است که بنده استدعا دارم آقایان ترحم بفرمایند و قبلاً اجازه بدهند و پیش نهاد که دو جنبه مختلف دارد مطرح شود و نظر مجلس در این دو موضوع معلوم شود تا آن وقت کمیسیون بتواند ماده را بر طبق یکی از این دو پیشنهاد به مجلس تقدیم کند .

رئیس - رأی گرفته شود - پیشنهاد آقای مدرس آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند ( اغلب قیام نمودند )

رئیس - تصویب شد - ماده دوم مدرس - بنده پیشنهاد میکنم جلسه ختم شود .

شیروانی - بنده در دستور عرض دارم .

رئیس - رأی گرفته شود - پیشنهاد آقای مدرس آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند ( اغلب قیام نمودند )

رئیس - تصویب شد - ماده دوم مدرس - بنده پیشنهاد میکنم جلسه ختم شود .

شیروانی - بنده در دستور عرض دارم .

رئیس - بفرمائید

شیروانی - وقتیکه ماده اول بلا تکلیف ماند تمام مواد مستغرق بر اوست و قهرأ بلا تکلیف می می از این جهت این ماده باید برود بکمیسیون و بنده پیشنهاد میکنم لایحه کتورات مستخدمین بلژیکی جزو دستور شود .

رئیس - پیشنهاد آقای بهار ( اجازه )

داور - نظری که آقای مدرس دادند شبلی خوبست و البته اگر کمیسیون بتواند

(بعضیون ذیل خوانده شد) پیشنهاد میکنم جلسه ختم شود .

**جمعی از نمایندگان - صحیح است .**

رئیس - آقایان بیکه این پیشنهاد را تصویب میکنند قیام فرمایند ( اغلب قیام نمودند )

رئیس - تصویب شد - پیشنهاد آقای دکتر آقایان .

(شرح ذیل خوانده شد) بنده پیشنهاد میکنم که لایحه کبریوت در درجه اول جزو دستور جلسه آتی شود .

(عده کثیری از نمایندگان خارج شدند و عده غیر کافی شد)

رئیس - پس خبر کمیسیون بود چه راجع به مستخدمین بلژیکی جزو دستور میشود .

(مجلس بیست دقیقه قبل از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - حسین پیرنیا

منشی - شهاب

منشی - دکتر احتشام طباطبائی

**جلسه صد و هشتاد و شصت و شش**

**صورت مشروح مجلس**

**یوم ۳ شنبه ۱۹ خرداد**

**۱۳۰۴ مطابق ۱۷ ذی قعدة ۱۳۴۳**

مجلس سه ساعت قبل از ظهر ریاست آقای میرزا حسین بیرو نیا تشکیل گردید .

(صورت مجلس یکشنبه هفدهم خرداد را آقای آقا میرزا شهاب الدین قرائت نمودند)

رئیس - آقای شیروانی ( اجازه )

شیروانی - قبل از دستور عرض دارم .

رئیس - آقای شوشتری ( اجازه )

شوشتری - بنده هم قبل از دستور عرض دارم

رئیس - در صورت مجلس آقایان اعتراضی دارند بعضی گفتند - خیر

رئیس - آقای شیروانی ( اجازه )

شیروانی - در چندنی قبل يك عدای که تقریباً بهفتاد نفر بالغ می شد يك طرح قانونی را امضاء فرمودند و بنده را مأمور کردند تقدیم مجلس شورای ملی بکنم این طرح قانونی مربوط به مسائل بلدی ولایات بود و يك طریق عملی و نظر گرفته شده بود که وضعیات بلدی های ولایات بکفتری تغییر بکنند .

رئیس - پیشنهاد آقای بهار ( اجازه )